

دکتر باقرپور کاشانی



ماجرای رُحْبَه در عصر خلافت امیرالمومنین علیه السلام
و گواهی بر غدیر خم در کتاب احمد بن حنبل

هوالحکیم

ماجرای رُحْبَه در عصر خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام و گواهی بر غدیر خم در کتاب احمد بن حنبل

«رُحْبَه» یا «مناشده»، چه ماجرای بوده؟

وقتی مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام بعد از عثمان در سال ۳۰۵ هـ ق به حکومت می‌رسند؛ ایشان وارد مسجد کوفه می‌شوند، حضرت به ماجرای غدیر خم احتجاج می‌کنند که آیا این اتفاق نیفتاده، این مسأله پیش نیامد؟! در کجا؟ در وسط صحن مسجد کوفه؛ یعنی همان جایی که یک مقامی هم هست که می‌گویند مقام موعظه یا قضاوت آقا امیرالمؤمنین. آن جا می‌ایستند و جمعی از صحابه هم دور امیرالمؤمنین هستند، این‌ها گواهی می‌دهند به اینکه حدیث غدیر خم را از رسول‌الله شنیدند، و این ماجرا هم به درخواست امیرالمؤمنین هست که امیرالمؤمنین می‌فرمایند شما گواهی می‌دهید؟ جمعی که از دوازده نفر تا سی نفر در روایات شیعه و سنی گزارش کردند که آن جا گواهی دادند.

این ماجرای شهادت‌دادن جمعی از صحابه در مسجد کوفه به درخواست آقا امیرالمؤمنین بعد از اینکه به ولایت یا به تعبیری به خلافت ظاهری رسیدند را مرحوم علامه امینی در جلد اول الغدیر صفحه ۳۳۹، مفصل می‌آورد.

«مسند احمد، زاذان بن عمر گوید: از علی در رُحْبَه شنیدم که با مردم در مورد افرادی سخن می‌گفت که روز غدیر خم با رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم حاضر بودند و ایشان سخن خود را فرمود. سیزده مرد ایستادند و گواهی دادند که از رسول الله شنیدند که فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»؛ هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست».

این جا مسند احمد می‌گوید چند نفر این جا تو این حدیث هستند؟ سیزده نفر. اما تا سی نفر هم گزارش شده.

مسند احمد، عبدالرحمان بن ابی لیلی گوید:

«شاهد بودیم که علی رضی الله عنه در رُحْبَه از مردم پرسید: چه کسی شنید که رسول الله ﷺ در روز غدیر خم فرمود: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست؟ عبدالرحمان گوید: دوازده نفر از اهل بدر را دیدم که برخاستند و گفتند: شهادت می‌دهیم که رسول الله ﷺ در روز غدیر فرمودند و پرسیدند: آیا من بر مؤمنان از خودشان اولی‌تر نیستم؟ و زنانم مادرانشان نیستند؟»

دقت بکنید، این عبارت را ببینید:

«آیا زنان من ام‌المؤمنین نیستند؟ آیا من اولی از خودشان به خودشان نیستم؟ جمعی گفتند: بلی! فرمود: هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا کسی که ولایت او را دارد، دوست بدار و کسی که او را دشمن دارد، دشمن بدار»؛ این در مسند احمد، جلد اول، صفحه ۱۱۹ آورده.

«براء بن عازب گوید در سفری با رسول الله ﷺ بودیم. در غدیر خم فرود آمدیم. در میان ما برای نماز جماعت صدا زدند و زیر دو درخت برای رسول الله تمیز شد. ایشان نماز ظهر را خواند و دست علی رضی الله عنه را گرفت و فرمود: آیا می دانید که من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر هستم؟ عرض کردند: بلی! دست علی را گرفت و فرمود: هر فردی که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا هر فردی که ولایت او را دارد، دوست بدار و هر فردی که با او دشمنی می کند، دشمن بدار. راوی گوید عمر پس از آن با ایشان دیدار کرد و به او عرض کرد: ای فرزند ابوطالب! گوارایت باد مولای هر زن و زن مؤمنه ای شدی!»؛ این هم جلد چهارم صفحه ۲۸۱ از مسند احمد.

دوباره مسند احمد بن حنبل از ابی طفیل نقل می کند که:

«علی رضی الله عنه، مردم را در رُحْبَه جمع کرد، سپس به آنان فرمود: چه کسی از شما مسلمان سخنی را که رسول خدا ﷺ در غدیر خم فرمود شنید؟»

این جا نگاه کنید گفتند سی نفر! گفتم که راوی حدیث از دوازده نفر تا سی نفر گزارش کردند.

«سی نفر از مردم بلند شدند. ابونعیم گوید: مردم بسیاری بلند شدند و شهادت دادند که وقتی رسول الله دستش را گرفت به مردم فرمود: آیا می دانید که من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر هستم؟ عرض کردند: بله ای رسول خدا! فرمود: هرکس من مولای او هستم علی مولای اوست. خدایا هر فردی که ولایت او را

دارد دوست بدار و هر فردی که با او دشمنی می‌کند دشمن بدار. راوی گوید: بیرون رفتم و انگار در درونم چیزی بود. با زیدبن ارقم دیدار نمودم و به او گفتم: من از علی رضی الله عنه شنیدم که این چنین می‌فرمود: گفت: چرا انکار می‌کنی؟ من از رسول الله ﷺ شنیدم که در مورد او چنین فرمود: «این در مسند احمد جلد، چهارم صفحه ۳۷۰. عرض کردم که جناب احمد حنبل، متولد ۲۴۱ هست، شخصیتی از متقدمین هست که این بحث را مطرح کرده.

مسند احمد، جلد چهارم صفحه ۳۷۳: «ابوعبدالله گوید: نزد زیدبن ارقم بودم که مردی از دورترین مکان فسطاس آمد».

این فسطاس کجاست؟ نگاه کردم به لغت‌نامه تاج العروس، نوشته بود لغة فی الفسطاط: فسطاط شهری از ولایت مصر هست. یعنی یک اسم دیگر فسطاط که یک شهری از مصر هست، فسطاس بوده.

«از او در مورد امری پرسید. گفت: رسول خدا فرمود: آیا من از مؤمنان به خودشان سزاوارتر نیستم؟ عرض کرد: بله. فرمود: هر فردی که من مولای او هستم علی مولای اوست. میمون گوید: برخی از قوم از زید برای من حدیث نمودند که رسول الله ﷺ فرمود: خدایا هر فردی که ولایت او را دارد دوست بدار و هر فردی که با او دشمنی می‌کند، دشمن بدار»؛ این هم در مسند احمد، جلد چهارم صفحه ۳۷۳.

باز از مسند می‌آورند که ابواسحاق گوید:

«از سعیدبن وهب شنیدم که مردم را قسم می داد، پنج یا شش نفر از یاران پیامبر برخاستند و شهادت دادند که رسول خدا ﷺ فرمود: هر فردی که من مولای او هستم، علی مولای اوست»؛ این در مسند احمد، جلد پنجم صفحه ۳۶۶.

باز از مسند حدیث دیگری می آورند از زیدبن ارقم که گوید:

«مردم را شاهد گرفت و گفت: مردی مردم را قسم داد که از پیامبر ﷺ شنید که فرمود: هر فردی که من مولای او هستم، علی مولای اوست. خدایا هر فردی که ولایت او را دارد دوست بدار و هر فردی که با او دشمنی می کند دشمن بدار. شانزده مرد بلند شدند و شهادت دادند»؛ این در مسند احمد، جلد پنجم صفحه ۳۷۰.

باز حدیث بعدی هم از مسند از ریاح بن حارث گوید که:

«گروهی در رُحْبَه نزد علی آمدند و عرض کردند ای مولای ما درود بر شما! فرمود: چگونه من مولای شما هستم در حالی که شما گروهی از عرب هستید؟! عرض کردند: ما از رسول الله در روز غدیر شنیدیم که فرمود: هرکس من مولای او هستم، علی مولای اوست. ریاح گوید که وقتی رفتند در پی آنان رفتم و در مورد آنها پرسیدم گفتند: چند نفر از انصار هستند که ابویوب انصاری نیز در میان آنهاست که این را تأیید کرده»؛ مسند احمد، جلد پنجم صفحه ۴۱۹.

تمام

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَاقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ